دوشنبه ۶ آذر ۱۴۰۲ ■ ۱۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۵ ■ سال سی‌ویکم ■ شماره ۸۹۵۴

همشهری سیاسی

عکس: همشهری/ امیر رستمی

پشت پرده ایرانی‌سازی طوفان‌الاقصی در گفت و گو با علی‌اکبر رائفی پور

نقشه صهیونیست‌ها برای فرار از تحقیر

صهیونیست‌ها می‌خواهند شکست خود را به یک حریف قدرتر، مثل ایران نسبت دهند

گزارش
محمد مهدی اسکندری
روزنامه‌نگار

نبرد طوفان‌الاقصی و تحولات بعدی آن را باید یکی از مهم‌ترین نقاط عطف تاریخ مقاومت ضدصهیونیسم دانست. برای اولین‌بار نیروهای مقاومت فلسطینی با ورود به سرزمین‌های اشغالی ضربه سختی به اسرائیلی‌ها وارد کردند و آنان را در نبرد زمینی برای فتح غزه ناکام گذاشتند. برای بررسی بهتر نبرد طوفان‌الاقصی و زوایای سیاسی و امنیتی آن در منطقه، با علی‌اکبر رائفی پور، بنیانگذار مؤسسه «مصاف» گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید:

بیش از ۵۰روز از عملیات طوفان‌الاقصی می‌گذرد. آیا این حرکت حماس یک اعتراض سخت و مسلحانه در برابر بیش از ۷۰سال استعمار است یا یک اقدام حساب‌شده در قبال سیاست‌های اخیر رژیم‌صهیونیستی؟

در یک نگاه بلندمدت، می‌توانیم اقدام فلسطینی‌ها را یک اعتراض و واکنش سخت به اشغالگری و استعمار اسرائیلی‌ها تحلیل کنیم. سال‌هاست جریان سازش و میانه‌رو در فلسطین مثل جریان یاسر عرفات و بعد ابومازن (محمود عباس) سلطه رژیم‌صهیونیستی را پذیرفته‌اند و در کرانه باختری به شکل تکه‌تکه ساکن شده‌اند. این رژیم حتی به این مناطق تکه‌تکه‌شده و جدا از هم نیز رحم نکرد و در آنجا هم تصمیم به شهرک‌سازی گرفت و اگر جایی وجود دارد که صهیونیست‌ها در آنجا اقدام به شهرک‌سازی نکرده‌اند، احتمالا جایی نظیر مناطق صخره‌ای و کوهستانی بوده که امکان شهرک‌سازی و سکونت وجود نداشته‌است. کار به جایی رسید که ابومازن، نماد سازش درمیان اعراب به کنایه گفت: «اسرائیل ما را مثل پنیر سوئیسی سوراخ کرده‌است.» آیا با این وصف سیر اشغالگری اسرائیل انتها داشت؟ خیر. ثانیا در وجهه بعدی نیز طبق اسناد تازه منتشر شده، رژیم‌صهیونیستی بنای آن را داشته که در اوایل سال ۲۰۲۴ به‌دلیل راهبردهای کریدوری خود و بحث تعامل با اعراب، به غزه حمله کند. یدیعوت آحارانوت نوشت اسرائیل برای حمله به غزه ۲سال تمرین کرده‌است؛ یعنی طرح حمله اسرائیل به نوار غزه آماده بود. نکته بعدی و مسئله سوم، تحولاتی است که در جهان اسلام رخ داده‌است. یک زمانی وقتی جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، سخنرانی می‌کرد اعراب به حرف او گوش می‌دادند، اما امروز مصر کجاست؟ مصری که درگیر روزمرگی‌هایش شده و اگر پول عربستان و امارات نرسد، مردم کف خیابان‌ها می‌آیند. دولت اخوانی طرفدار مقاومت ۸ماه در آنجا دوام نمی‌آورد و این کشور دست یک ژنرال یهودی‌زاده به نام «عبدالفتاح السیسی» می‌افتد! گویی پس از قضیه داعش، جامعه اسلامی سر شده‌است؛ از آن‌سو رژیم‌صهیونیستی کری می‌خواند و از طرح صلح ابراهیم سخن می‌گوید، حال شما خودتان را جای حماس بگذارید، چه کاری انجام خواهید داد؟ لذا به‌نظر من اتفاقی که در فلسطین رخ داد، کاملاً طبیعی و مولود بستر خودش است. حال اینکه اگر این موضوعات از چشم ما دور مانده یا زیر پونز قرار گرفته، ایراد از ماست.

ناتوی عبری ـ عربی در برابر محور مقاومت

در این راستا لازم است گفته شود که چین، اولویت بعدی آمریکاست و بعد از آن روسیه. دنیا به سمت چندقطبی شدن پیش می‌رود و آمریکا نیز لازم است که از قافله خود را عقب نیندازد. آمریکا به‌خوبی فهمیده بود ماندن در خاورمیانه برایش سودی ندارد؛ لذا تصمیم داشت موضوع خاورمیانه را حل کند و سراغ چین برود. آنتونی بلینکن می‌گوید ما ۲۰سال در افغانستان ماندیم و چیزی دست‌مان را نگرفت، پس باید جمع کنیم برویم؛ برای همین آمریکا و اسرائیل به‌گفته خود تحلیلگران صهیونیست در پی ایجاد یک اتحاد نظامی عبری ـ عربی یا ناتوی صهیونیسم ـ سنی بودند تا بتوانند ایران و آنچه محور مقاومت خوانده می‌شود را مهار کنند. آنان قصد داشتند عراق پس از سقوط صدام که به‌دست محور مقاومت افتاده‌است را به‌نحوی تبدیل به خط فاصل ایران و سوریه کنند؛ لذا داعش را به‌وجود آوردند که از قِبَل آن عراق تجزیه و قسمت‌های سنی‌نشین آن و اقلیم کردستان جدا شود و طرح قدیمی خاورمیانه جدید اتفاق افتد که البته موفق نشدند و ایران این طرح را کنترل کرد. در گام بعدی آنان سعی کردند به شکل دیگری نقشه خود را پیاده سازند؛ فلذا سراغ سیاست اقتصادی رفتند. لازم به گفتن است که روابط اعراب با اسرائیل چیز جدیدی نیست؛ آنچه امروزه بر ما عیان شده تنها نوک یک کوه یخ است. آمریکا به‌شدت سعی دارد که جنگ در خاورمیانه صورت نگیرد؛ چون اگر جنگی در منطقه رخ دهد، او مجبور است مشغول این نبرد و معرکه شود؛ درصورتی که گفته شد اولویت اول، دوم و سوم آمریکا امروز چین است و آنها می‌خواهند هرچه زودتر موضوع خاورمیانه حل شود.

بعد از انقلاب، فلسطینیان جان تازه‌ای گرفتند

به‌نظر شما سیر و تطور مقاومت فلسطینیان چگونه از سنگ و تیرکمان به موشک و چنین تجهیزاتی می‌رسد که یک ضربه بی‌سابقه را متحمل رژیم صهیونیستی می‌کند؟

من اسم این چرایی و چگونگی را «نیاز» می‌گذارم. بزرگ‌ترین پیشرفت‌ها در جنگ‌ها رخ می‌دهد؛ حتی در زمینه تکنولوژی. هنوز جهشی که در خلال جنگ جهانی دوم در باب تکنولوژی رخ داد، بی‌نظیر است؛ به‌طور مثال آلمانی‌ها در راستای اشغال سرزمین روسیه با مشکل رادیاتور در سرما مواجه می‌شوند؛ برای همین ماشینی مثل فولکس را می‌سازند که نیاز به آب ندارد یا موتورش متفاوت است. در جنگ خودمان هم وضع به همین شکل بود. بعد از ۲سال جنگ با عراق، انبارهای شاه خالی شد و نوبت به ایده‌پردازی رسید. پس این موضوع با مسئله احساس نیاز گره خورده است. فلسطین از ابتدا این نیاز را در خود احساس می‌کرد، اما رفته‌رفته کسی دیگر نبود که به آنان کمک کند تا با نیروی بیشتر به مقاومت بپردازند، اما پس از انقلاب اسلامی و سقوط رژیم پهلوی در ایران ورق برگشت و فلسطینیان جان تازه‌ای پیدا کردند؛ چراکه یکی از مهره‌های اصلی آمریکا در منطقه کنار رفت. بعد از انقلاب و تحولاتی که رخ داد و در پی آن موفقیت‌های حزب‌الله لبنان فلسطینیان فهمیدند پس «می‌شود» مقاومت کرد؛ ضمن اینکه انقلاب اسلامی هم به فلسطینیان سلاح رساند و هم راه دستیابی و تکنولوژی تسلیحاتی را به آنان آموخت؛ به‌طور مثال امروزه نیروهای مقاومت از سلاح «یاسین» رونمایی می‌کنند که ساخته دست خودشان است. مضاف بر این باید گفت، اسرائیل هم دیگر اسرائیل سابق نیست. امروز ۵۰۰هزار قبضه اسلحه در دست فلسطینیان است! این رقم بسیار بزرگی است. به‌نظر شما این سلاح‌ها چگونه به‌دست مردم فلسطین رسیده؟ توسط خود اسرائیلی‌ها. به تعبیری خود شهرک‌نشین‌های رژیم‌صهیونیستی در عوض پول به فلسطینی‌ها اسلحه می‌دهند. گم شدن اسلحه و فروش اسلحه به مردم فلسطین امروز یکی از معضلات جدی رژیم است. طی اخبار به‌دست آمده برخی اسرائیلی‌ها با اسلحه خودشان تیر خورده بودند، عده‌ای به‌خاطر ترس از جنگ خودزنی کرده بودند و عده‌ای هم که با اسلحه و تیر اسرائیلی کشته شدند، معلوم شد توسط آن تفنگ‌های گم‌شده تیر خوردند. لازم به ذکر است که در قبال فرار اسرائیلی‌ها از جنگ بگوییم هیچ‌گاه یک صهیونیست را نباید با مجاهد مسلمان یکی کرد.

بین حسینی بودن و حسینی نبودن، خیلی فرق است

ما متأسفانه اسرائیل را به‌خوبی نمی‌شناسیم؛ یعنی آنقدر که او را دشمن می‌دانیم، توجهی به چیستی و ماهیتش نداریم؛ لذا انتظار می‌رود آن راهپیمایی در دانشگاه هاروارد را ۱۰برابر بزرگ‌تر در ایران ببینیم. منتها در ایران رژیم‌صهیونیستی برای بسیاری همچنان به شکل گسترده ناشناخته است و توقع هم بر این بوده که همه کار را حکومت انجام می‌دهد و باقی لازم نیست اقدامی کنند. در مدارس‌مان هم این موضوع کار نشده‌است. مبارزه مردم ایران با اسرائیل نه از سر آگاهی، بلکه به ۲دلیل است؛ یک فطرت و دوم خوی اهل‌بیتی که بین شیعیان و سنیان ما وجود دارد. امروزه چه کسانی به فلسطین کمک می‌کنند؟ حزب‌الله، انصارالله، مقاومت عراق و... بین حسینی بودن و حسینی نبودن خیلی فرق است.

به‌نظر شما آینده جنگ چه خواهد شد؟

رژیم‌صهیونیستی شکست سختی خورد و حیثیت نظامی و امنیتی‌اش زیرسؤال است. آخرین گروه مقاومت و بی‌اسلحه‌ترین آن، یعنی حماس، توانسته به رژیم‌صهیونیستی که خود را ارتش چندم جهان می‌داند، چنین ضربه سختی بزند. این کار را عراق یا حزب‌الله با آن موشک‌های لیزری و نقطه‌زن انجام نداده، بلکه تحت فشارترین گروه محور مقاومت چنین کار بزرگی را به ثمر نشاند. رژیمی که در سال ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ چند ارتش عربی را با هم شکست می‌داد، امروز کارش به‌جایی رسیده که باید در ساحل غزه کنار خرچنگ‌ها پرچم بالا ببرد و کنار صدف‌های دریایی به جشن و پایکوبی مشغول باشد؛ تازه در نبرد زمینی هم راه به جایی نبرده است. امروزه صحبت از این است که اگر حماس چنین قدرتی دارد، پس ایران چیست؟ چرا اسرائیل آنگونه که غزه را موشک‌باران می‌کند، جواب حزب‌الله را نمی‌دهد؟ حزب‌الله تاکنون ۳تا ۴میلیارد دلار در اسرائیل شمالی به رژیم خسارت وارد کرده‌است. اسرائیل به‌خوبی از توان نظامی نیروهای مقاومت لبنانی آگاهی دارد. برآورد صهیونیست‌ها از زرادخانه حزب‌الله ۲۰۰تا ۲۵۰هزار موشک است. اخیراً پایگاه‌های نظامی اسرائیل توسط حزب‌الله به وسیله موشک ۵۰۰کیلویی «برکان» هدف قرار داده شده که در آن چیزی سالم نمانده است. از سویی مقاومت عراقی وجود دارد که تازه از نبرد با داعش بیرون آمده و توانایی موشک‌سازی دارد. اسرائیل نسبت به این موضوعات آگاهی دارد و باید گفت آن اسم اسرائیل با برچسب قدرت امنیتی و اطلاعاتی فروریخته است. فکر می‌کنید چرا اسرائیل قصد دارد تا نوک پیکان اتهام را به سمت ایران ببرد؟ از عملیات ۷اکتبر تا تصاحب کشتی توسط یمنی‌ها، تل‌آویو دائم تأکید دارد همه اینها به‌دست ایران است؛ چراکه می‌خواهند ضرباتی را که دریافت کرده‌اند به یک حریف قدرتر، چون ایران نسبت دهند، اما با همه اوصاف، باید بگوییم اسرائیل برای حمله غزه همانطور که گفته شد، چند نقشه و هدف داشت؛ نقشه اول، فیصله دادن موضوع غزه به‌طور کلی و کوچ دادن مردم آنجا به صحرای سینا بود؛ حتی برای این کار با دولت‌های مصر و سعودی نیز هماهنگ شده بود. نقشه بعدی، رفتن به سمت کرانه باختری و تقسیم آن به ۲۰منطقه بود که به‌وسیله ارتش و پلیس فتح به راحتی کنترل شود و نقشه سوم، این بود که این مناطق با همکاری سعودی، اردن، مصر، سازمان ملل و رژیم‌صهیونیستی اداره شود؛ به‌طوری که هیچ اثری از مقاومت در آنجا نماند. به‌طور کلی رژیم‌صهیونیستی قصد داشت اندیشه مقاومت را در این منطقه از بین ببرد. اسرائیل دقیقا با همین منطق است که با چنین قساوت قلبی دست به بچه‌کشی می‌زند. آیا او نگران وجهه جهانی خود نیست؟ اسرائیل استراتژی‌اش این است که من باید چنان اهالی غزه را تنبیه کنم که خود آنها از مقاومت کوتاه بیایند و از حماس طرفداری نکنند. اسرائیل در خلال جنگ ۳۳روزه یا به تعبیر لبنانی‌ها «حرب تموز»، چنان «ضاحیه» در جنوب لبنان را موشک‌باران کرد که آنجا با خاک یکسان شد. رژیم‌صهیونیستی این را به یک استراتژی به نام «داحیا» یا همان استراتژی ضاحیه بدل کرد؛ یعنی جایی که از آنجا مقاومت شکل گرفته چنان مورد هجوم خود قرار می‌دهیم که مردم آنجا خودشان دچار «خودتنبیهی» شوند. اسرائیل می‌خواهد یک کار تاریخی را در ذهن مردم فلسطین ثبت کند تا دیگر از جانب آنها موشکی سمتش شلیک نشود.

مگر رژیم‌صهیونیستی در جنگ ۳۳روزه از این استراتژی نتیجه گرفت؟

آنها با خودشان می‌گویند که سیدحسن پس از جنگ آمد و گفت اگر می‌دانستم اسارت ۲صهیونیست منجر به جنگ ۳۳روزه می‌شود، این کار را انجام نمی‌دادم! حتی همین امروز هم شاهدیم ایشان در سخنان‌شان از فراگیری جنگ نوعی نگرانی دارند. سیدحسن نصرالله توامان باید منافع جبهه مقاومت و کشور لبنان را درنظر بگیرد. او در کشورش با کسانی چون سمیر جعجع و سعد حریری درگیر است؛ پس نباید خیلی کلی در قبال لبنان و حزب‌الله موضع گرفت. در ایران خودمان هم وضع به همین شکل است؛ اصلاح‌طلب و اصولگرا، تازه هر کدام به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند که گاهی باهم به‌شدت به نزاع برمی‌خیزند. لبنان درصدی شیعه دارد که تازه همین به ۲بخش جنبش امل و حزب‌الله تقسیم شده‌است. به‌جز آن، درصدی مسیحی و سنی دارد که مقاومت در مناطقی به مسیحیان بیشتر نزدیک است تا به اهل سنت متأثر از عربستان. براین‌اساس تحلیل در قبال لبنان باید دقیق باشد.

از بی‌بی اصرار از بایدن انکار

مسئله بعدی خود شخص نتانیاهوست. او در این چند وقت به‌شدت تحت فشار بوده و مردم اسرائیل ۸ماه تمام حتی در شب‌های عید کف خیابان‌ها در نقد او شعار می‌دادند. برخی چنین می‌اندیشند که نتانیاهو از این حمله خبر داشته، اما از کنار آن گذشته که بتواند به هوای منافع ملی یک اتحاد ایجاد کند و سروصداها را بخواباند؛ برای همین هم شاهدیم برخی از شخصیت‌های اپوزیسیون پس از طوفان‌الاقصی تا اطلاع ثانوی موضوع نتانیاهو را در حاشیه گذاشتند. نتانیاهو می‌خواهد جنگ برای او یک آورده‌ای داشته باشد؛ برای همین برخلاف آمریکایی‌ها که می‌خواهند آتش جنگ هرچه زودتر فروکش کند، او می‌خواهد کشش جنگ آورده‌ای مثل حل شدن غائله حماس، نابودی تونل‌های مقاومت، موازنه وحشت در بین فلسطینیان و... را کسب کند تا بگوید من از این نبرد دست پر بیرون آمدم؛ به‌طور مثال نتانیاهو چند مرتبه اعلام کرده اسرای اسرائیلی بی‌هیچ قید و شرطی باید آزاد شوند؛ این یعنی اسیر شدن این افراد برای من تبدیل به یک معضل شده است. امروزه خیابان‌های اسرائیل مملو از خانواده اسرایی است که در دست حماس هستند و اعتراض دارند که در موشک‌باران غزه این اسرا هم کشته می‌شوند!

برادران آذربایجانی هم باید مثل برادران یمنی باشند

به‌عقیده من در باب آینده جنگ باید ۴طرف را مورد بررسی قرار داد: حماس، ایران به نمایندگی محور مقاومت، آمریکا و رژیم‌صهیونیستی. این ۴طرف در یک نقطه‌ای به حد تعادل می‌رسند که شاید آن، محل وقوع آتش‌بس باشد. هرگاه تغییر توازنی از سوی هر کدام رخ دهد، آن محل تفاوت است؛ به‌طور مثال موضوع انرژی و قیمت آن می‌تواند از آن نقاط باشد. آمریکا در این برهه بالا رفتن قیمت نفت را به هیچ عنوان قبول نمی‌کند و گسترش جنگ از سوی اسرائیل شاید موجب این اتفاق شود؛ برای همین آمریکا دائماً تأکید بر توقف جنگ دارد. آنها برای نجات دادن اروپا از ذیل روس‌ها در آستانه فصل سرما حتی تحریم‌های نفتی ونزوئلا را برداشتند و به عربستان اجازه نزدیکی به ایران را دادند تا مبادا آرامکویی دوباره از سوی یمن مورد هدف قرار گیرد که قیمت نفت را دگرگون سازد. اقدام انصارالله در متوقف کردن کشتی اسرائیلی اقدام خوبی بود، رگه‌های حیاتی رژیم باید زیر ضربه قرار گیرد. من یقین دارم همانطور که برادران انصارالله ما مانع صدور انرژی به اسرائیل شدند، برادران مسلمان ما در ترکیه و جمهوری آذربایجان هم صدور نفتی که سوخت تانک‌های اسرائیلی می‌شود را تحمل نخواهند کرد.

احتمال دارد اسرائیل از طریق کانال جمهوری آذربایجان بخواهد اقدامی علیه ایران انجام دهد؟

خیر. اسرائیل حتی توان گسترش جنگ با لبنان را ندارد. نه رژیم‌صهیونیستی در قد و قواره گسترش جنگ است و نه آمریکا به او چنین اجازه‌ای را می‌دهد. گسترش جنگ چه بسا موجب رخ دادن جنگ جهانی شود. اسرائیل به‌خوبی از وضعیت منطقه آگاه است. امروزه نیروهای مقاومت اسلامی از ایران و افغانستان و پاکستان در سوریه و در مرزهای اشغالی حاضرند تا اسلحه به‌دست برای آزادسازی مناطق اشغالی به جنگ با اسرائیل بروند. مزارع شعبا و منطقه جولان همین امروز آبستن جنگ علیه اسرائیل هستند، سران صهیونیستی از وضعیت کنونی منطقه آگاه هستند و برای همین جنگ را به مناطق دیگر گسترش نمی‌دهند.

امروزه در اقصی نقاط جهان راهپیمایی‌های گسترده‌ای رخ داده است که شاید تنها راهپیمایی ۲۷آبان مشابه گردهمایی‌های سایر کشورها بود. برخی با توجه به این موضوع گفتند که مردم ایران چندان حمایت گسترده از فلسطین ندارند. نظر شما در این باره چیست؟

اینکه بگوییم مردم ایران از فلسطین دفاع نمی‌کنند، تحلیل غلطی است، اما ذکر این نکته قابل توجه است که در ایران برخلاف سایر کشوهای دنیا، نظیر انگلیس و آمریکا یا برخی کشورهای اسلامی، خود دولت و حکومت پاکار قضیه است و حامی اصلی فلسطین به‌حساب می‌آید. اگر در انگلیس مردم به خیابان می‌آیند تا حدی این اقدام فشار به دولت است، اما چون در کشور ما مقوله فلسطین تاحد زیادی به حکومت تفویض شده، مردم خیال‌شان راحت است. ایران متهم اصلی ضربه به اسرائیل است، دودی هم اگر از انصارالله و حزب‌الله بالا رود، به آتش ایران نسبت می‌دهند، پس تاحد زیادی مردم ایران از این بابت که کشور حمایت خود را از مقاومت فلسطینی دریغ نمی‌کند، راحت هستند. یک سایت برای اعزام نیرو به مرزهای جولان راه‌اندازی کنند تا ببینند ایرانی‌ها چه خواهند کرد برای اعزام. زمان جنگ داعش کلی پیام و تماس داشتم از جوانانی که خواهان اعزام به سوریه برای جنگ با داعش بودند. وقتی فرمانده سپاه در تجمع حمایت از فلسطین سخنرانی می‌کند، یعنی قوای نظامی پای کار فلسطین است. وقتی رهبر معظم انقلاب در بازدید خود از قدرت موشکی پشت سرش موشک «خیبرشکن» قرار گرفته، تکلیف ایران و ایرانی در قبال دفاع از فلسطین روشن است. در ثانی ناگفته نماند که ما هم روند برگزاری راهپیمایی‌ها را خوب پیگیری نکرده‌ایم و به جای انتخاب محلی گسترده برای راهپیمایی طبق روال همیشگی خیابان انقلاب را برگزیدیم که فضای بسته‌ای دارد.

و صحبت پایانی

در انتها باید بگوییم امروز صهیونیست‌ها مثل قورباغه‌ای هستند که درحال پخت است. این جنگ تازه شروع شده و با آتش‌بس هم پایان نمی‌یابد. اسرائیل به فلسطین حمله کرده چرا پایگاه‌های آمریکایی موشک می‌خورند؟ این منطقه برای مردمش است و بیگانه باید از آن خارج شود یا از این منطقه بیرون می‌روند یا آنها را بیرون می‌اندازیم. ما اصراری بر کشتن آنها نداریم، خودشان نوع برخورد را انتخاب می‌کنند.

چه شد که علی‌اکبر رائفی‌پور حس کرد در سخنرانی می‌تواند شخص اثرگذاری باشد؟

تازه درسم تمام شده بود و در یک سفر راهیان نور شرکت کردم. در اتوبوس ۲نفر در این‌باره بحث می‌کردند که چرا جنگی که می‌توانست سال ۶۱ تمام شود، ادامه پیدا کرد. کسی که به این سؤال پاسخ می‌داد چندان از پس موضوع برنیامد و من با کسب اجازه از طرفین وارد بحث شدم و در این‌باره توضیحاتی دادم. افراد حاضر در اتوبوس دور ما جمع شدند تا بحث من را بشنوند. حین بحث در منطقه‌ای نزدیکی مهاجران اراک بلند شدم و آخر بحث در اندیمشک نشستم. همان افرادی که در آن بحث حاضر بودند از من دعوت کردند تا برای سخنرانی به دانشگاه‌هایشان بروم. حتی در اوایل نیروهای امنیتی از من دعوت کردند و بعدها از این موضوع خبردار شدم. مثلا یک‌بار یک نفر بنده را در پوشش کار فرهنگی دعوت کرد و سی‌دی سخنرانی من در دانشگاه علم و صنعت را روبه‌رویم قرار داد و پرسید این را می‌شناسی؟ گفتم این شخص سخنران من هستم!

چرا علی‌اکبر رائفی‌پور برای بعضی از حزب‌اللهی‌ها قابل تحمل نیست؟

گاهی اوقات من حرفی می‌زنم و کلی اعتراض می‌شود درصورتی که این حرف را اشخاص دیگری هم حتی در تلویزیون هم می‌گویند. اما بحثشان این است که چرا «تو» این حرف را می‌زنی؟ در ثانی طبیعی است وقتی کسی علیه صهیونیست‌ها دست به اقدام می‌زند علیه او فضاسازی کنند. امروزه دروغ صهیونیست‌ها عیان شده، بیمارستان را می‌زند و منکر آن می‌شود. خدا می‌داند چقدر آنها در طول تاریخ دست به دروغ، تحریف و تاریخ‌سازی زده‌اند. یکی از عللی که یهودیان را به سمت تجارت اشیای عتیقه برده همین موضوع تاریخ‌سازی است. حال شما ببینید امروزه اگر فردی بیاید و علیه آنها کار کند چه سرنوشتی خواهد داشت؟ چند حرف هست که دائم تکرار می‌کنند، مثل اینکه این پولش را از کجا آورده است؟ درس و تحصیلاتش چیست؟ به کجا وصل است و... کار به جایی رسید که روح‌الله زم برای تمسخر نوشت این شخص صیغه‌زاده یاسر عرفات است! این اتفاق وقتی می‌افتد یعنی اینها هیچ چیزی در دست ندارند. به‌طور مثال، در دولت قبلی عکسی ۳نفره از من، یاسر جبرائیلی و وحید یامین‌پور منتشر شد و گفتند اینها در دولت بعد به دنبال منصب می‌گردند، درصورتی که من همچنان به کار خودم ادامه می‌دهم. اینها می‌خواهند من به کل ساکت شوم، تازه اگر حرفی هم نزنم خواهند گفت که او حتماً فسادی داشته و به نوعی به حاشیه رفته و صدایش را هم درنمی‌آورند! من سخنانم را سال ۸۸ با دشمن‌شناسی شروع کردم و به من ایراد گرفتند که چرا اینقدر از دشمن صحبت می‌کنم. من دیده‌بانم، وقتی دشمن را می‌بینم باید بگویم. مشی ما به شکل مستقل پیش می‌رود و به جایی وابسته نیستیم، برای همین تذکرات و انتقادات خود را بیان می‌کنیم.

خود می‌پرسند ما آیا با پشتوانه اسرائیل قصد سرشاخ شدن با ایران را داشتیم که نیروی دست چندم مورد حمایت ایران در غزه آن ضربه را به اسرائیل وارد کرد؟ البته این نرمش در مرزهای شمالی به قصد گرفتن تیزی مسئولان ماست والا اصرار نداشتن ترکیه و آذربایجان سر موضوع زنگزور یک دروغ است. ۹۹درصد صادرات نفت جمهوری آذربایجان به اسرائیل است، پهپادهای اسرائیلی از آذربایجان بلند می‌شوند، قاتلان دانشمندان هسته‌ای توسط صهیونیست‌ها در آذربایجان آموزش دیدند و حتی کشتی تصاحب شده توسط نیروهای انصارالله مبدأش ترکیه بود. من می‌گویم که مقام‌های ترکیه‌ای و بالاخص آذربایجانی هوشیار باشند که تحلیل عوض شد. بار دیگر تأکید می‌کنم که مردم آذربایجان حاضر نمی‌شوند که نفت‌شان در غزه موجب کودک‌کشی شود. ۲۰۰سال قفقاز تحت سیطره روس‌ها بود، اما هویت آنها روسی نشد. قفقاز سر ایران است و بخش مهمی از حوزه تمدنی ما.

جمهوری آذربایجان جواب اقدامات خود را خواهد گرفت و یقین دارم این اتفاق می‌افتد و مردم آذربایجان حاضر به این همکاری با اسرائیل نخواهند بود. این انتظار از آنها می‌رود همانطور که این انتظار و توقع را ما از برادران یمنی در انصارالله داشتیم. وقتی یک جریانی را در منطقه حر و آزاده بار آوردیم؛ یعنی صدور انقلاب؛ یعنی فضایی را ترسیم کنیم که خودمان هم نتوانیم از اصولش عدول کنیم.

مکث

دسیسه اسرائیل در ماجرای آذربایجان

عربستان شهری با تکنولوژی پیشرفته می‌خواهد بسازد به نام «نئوم» که بخش‌هایی از آن تکمیل شده‌است؛ حتی امارات در این امر از عربستان هم پیشگام‌تر بود. ساخت برج‌های بزرگ، مناطق توریستی، تاکسی برقی و... جلوه‌ای از این نقشه است که البته این طرحی است آمریکایی برای خاورمیانه. اما آمریکا این تکنولوژی را به اسرائیل داد تا اعراب محتاج صهیونیست‌ها شوند؛ برای همین راهبرد اتحاد امنیتی سر داعش امروزه تبدیل به یک اتحاد اقتصادی شده است. همچنین در غزه ۵۲۴میلیارد دلار گاز کشف شده بود و اسرائیل بی‌شک یکی از اهداف حمله به این منطقه برای سال ۲۰۲۴ را این منبع عظیم انرژی می‌دانست. جریان غربی، عبری، عربی در پی ایجاد یک تاکتیک جدی بودند که عملیات طوفان‌الاقصی تمام نقشه‌ها را برباد داد. حال این فرصت به‌دست محور مقاومت افتاده تا بتواند با استفاده از قدرت نظامی‌اش در عرصه‌های مختلف برای خود قدرت چانه‌زنی در اقتصاد ایجاد کند. همچنین کریدوری قرار است در شمال ایران ایجاد شود به نام کریدور توران که با اتحاد و یکپارچگی کشورهای ترک‌زبان قرار است رابطه ما را با روسیه از لحاظ زمینی قطع کند. کار به‌جایی رسید که رژیم‌صهیونیستی در این مناطق دست به تأسیس سفارتخانه زد و گستره فعالیتش در این مناطق را بالا برد. جنگ جمهوری آذربایجان و ارمنستان از این حیث اهمیت دارد که در راستای این طرح انگلیسی ـ اسرائیلی رخ داده بود. اکنون سؤال اینجاست چگونه یک دفعه ارمنستان این چنین در انزوا قرار می‌گیرد و مردم در قبال فشار به ارمنستان ساکت می‌شوند؟ اساساً پاشینیان، یک شخص ضدروس و غربگرا که در دید مردم ارمنستان خائن است آمده بود تا زنگزور را به آذربایجان بدهد، این ایران بود که نگذاشت این اتفاق بیفتد! طوفان‌الاقصی حتی این زوایا را نیز برای ما عیان‌تر و بسیاری از مسئولان را از خواب غفلت بیدار کرد. قصد این بود که الهام علی‌اف و خانواده او تحت کنترل قرار گیرند و برای همین بود که با یهودیان وصلت خانوادگی کردند یا برندا شفرِ صهیونیست ۳۰سال در جمهوری آذربایجان دست به فعالیت ضدایرانی بزند و به مهربان علی‌اف و شوهرش مشاوره دهد تا با لباس نظامی در کنار پل خدافرین در نزدیکی مرز ایران، عکس و فیلم یادگاری بگیرند. همانطور که بیان شد، نیکول پاشینیان آمده بود که آرتساخ (قره‌باغ) را به آذربایجانی‌ها بدهد و از آن سو نیز با الهام علی‌اف کلی جلسه گذاشته شد تا به او درباب حمایت مالی و نظامی اطمینان داده شود والا چرا او سال‌های قبل از این کری‌ها نمی‌خواند. قصد قطع ارتباط ایران با روسیه و جلوگیری از احیای جاده ابریشم بود.

اگر دقت کنید در کشورهای قفقاز مثل گرجستان انقلاب رنگی به نفع غربی‌ها رخ داد که مسیر نقشه هموارتر شود. همچنین نفوذ در قفقاز برای صهیونیست‌ها منفعت دیگری داشت و آن ایجاد یک پایگاه بود. یهودیان قفقاز که معروف به یهودیان کوهستان هستند از قدرتمندترین یهودیانند. بسیاری از اقدامات جاسوسی نظیر جاسوسی‌های زیست‌محیطی از سوی یهودیان کوهستان است؛ مثلا شخصی است به نام توماس کاپلان. (کاپلان به‌معنای پلنگ است) او به همین خاطر در ایران، عراق و چین مؤسسه‌ای تأسیس کرد تا به بررسی وضعیت یوزها بپردازد. همزمان در یک اندیشکده دیگر هم حاضر است که راه‌های دور زدن تحریم ایرانیان را بررسی می‌کنند و به وزارت خزانه‌داری آمریکا لو می‌دهند. به‌طور کلی باید گفت جمهوری آذربایجان برای صهیونیست‌ها خیلی مهم است و بعد از سرزمین‌های اشغالی در فلسطین، آذربایجان وطن دوم آنهاست. ایران که آنقدر از حضور یهودی‌ها در امارات نگران بود به کل نسبت به فعالیت صهیونیست‌ها در آذربایجان بی توجه می‌شود؛ درصورتی که از باب افزایش و حجم مراوده اصلا این دو باهم قابل مقایسه نیست. طوفان‌الاقصی نقشه کریدور توران را به هم ریخت و در این ایام شاهد بودیم که هم اردوغان و هم علی‌اف گفتند ما اصراری بر موضوع زنگزور نداریم. علت این تغییر موضع از آنجاست که آنها از